تخریب فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» در روزنامه اصلاح‌طلبان

یکی از نادر مطالب تخریبی علیه فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» نه از جانب یکی از رسانه‌های غربی، بلکه از جانب روزنامه «شرق» منتشر شده است...

یکی از نادر مطالب تخریبی علیه فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» نه از جانب یکی از رسانه‌های غربی، بلکه از جانب روزنامه شرق منتشر شده است؛ این روزنامه فیلم فاخر مجید مجیدی را با سریال‌های یوسف پیامبر و تهاترین سردار مقایسه کرده و آن را اثری ضعیف خوانده است، آن هم در حالی که اکران جهانی «محمد رسول‌الله(ص)»، در هفته‌های گذشته با تحسین و نقدهای مثبت کارشناسان سینمایی جرائد دنیا مواجه شده بود.

ظاهراً بیشتر از برخی یادبیش‌ها در آن سوی آب‌ها باید نگران برخی یادبیش‌ها در داخل کشور بود؛ جای تعجب است که حتی غربی‌ها هم به ندرت در تخریب فیلم «محمد رسول‌الله(ص)»، مجید مجیدی فیلم می‌زنند و اما روزنامه «شرق» طی مطلبی شان این اثر سینمایی را پایین دانسته و به تخریب آن رو آورده اگر هم بدون اینکه بخواهند اندکی هم به نقاط مثبت فیرقابل کتمان این اثر اشاره کند؛ این روزنامه نوشته است که فیلمنامه‌نویس و کارگردان هر دو در پرداخت بدون عمق این فیلم تاریخی مهم هستند.

نویسنده این روزنامه فیلم مجیدی را از وجوه مختلف مورد انتقاد قرار داده و دست آخر با نگاهی منفی آن را با سریال‌های تلویزیونی چون سریال«امام علی(ع)»، «مختارنامه»، «یوسف پیامبر» و «تهاترین سردار» مقایسه کرده است.

مطلب انتقادآمیز «شرق» علیه فیلم مجیدی را تقریباً می‌توان اولین تخریب همه‌جانبه علیه این فیلم در سطح رسانه‌های ایران قلمداد کرد. رسانه‌های داخل کشور و بسیاری از هنرمندان و کارشناسان داخلی و خارجی در هفته‌های گذشته بارها به تحسین این فیلم پرداخته‌اند. جایگاه مجیدی در آخرین فیلمش توانسته بازار هم با زبان مختص سینمایی خود مفهوم کلام را از لحاظ عاطفی به مخاطب برساند. حتی در کمال منگنلی رسانه‌های غربی هم این اثر را مستقیم و غیرمستقیم تحسین کرده‌اند؛ بعد از این نقدهای مثبت آنچه که می‌توانست به فرآیند نقد شاخص جهوت جهانی این اثر کمک کند همراهی رسانه‌های داخلی بود؛ پیش از این، رسانه‌های تنش قیلمی در جهان اسلام که بتواند با مخاطب غربی ارتباط مجدد برقرار کرده و ذهنیت او را در قبال اسلام تغییر دهد همچون یک رویا به نظر می‌رسید؛ چراکه رسانه‌های غربی از خود هیچ میلی برای اصلاح چهره محدودی اسلام و پیامبر بزرگش نشان نمی‌دادند و رسانه‌های دنیای بی‌دانه و هنر عرب هم در این راه قدمی برنمی‌داشتند.

حالا که قدرت سینمای ایران با هنر خود دنیای اسلام را ظرف مدت هفت سال به آرزویش رسانده و توانسته با موفقیت چهره محدودش پیامبر را در ذهن نماندگان؛ به ویژه از جنس جهانی‌اش تلطیف سازد، انتقاد تند و تیز و کوبنده «شرق» از این قیلم آن هم بدون اندک اشاره‌ای به نقاط قوت اثر، غیرمنتظره و عجیب به نظر می‌رسد.

جوان آنلاین

یکی از نادر مطالب تخریبی علیه فیلم «محمد رسول‌الله(ص)» نه از جانب یکی از رسانه‌های غربی، بلکه از جانب روزنامه «شرق» منتشر شده است...

نگاهی به رویکرد توسعه محور مدیریت استان

به نام توسعه ، به کام تجدد

ما دیس در عرصه اجتماعی در دوران قبل انقلاب نیز حضور داشت . محافل اجتماعی مانند مساجد ، هیئات، بازار ، سبک زندگی ، خانواده ها و ارتباطات اجتماعی...

۱. دین در عرصه اجتماعی در دوران قبل انقلاب نیز حضور داشت . محافل اجتماعی مانند مساجد ، هیئات، بازار ، سبک زندگی ، خانواده ها و ارتباطات اجتماعی...

۲. فهم مادی و ساده انگارانه انقلاب اسلامی و اهداف آن منجر به این شده است که با گذشت سه دهه از انقلاب بهترین ایده اجرایی و در نتیجه در محصولات دولت مدرن و متجدد نیز جایی نداشت مانند سیاست های اقتصادی، فرهنگی و نهاد های مدرن دولتی مانند آموزش و پرورش، دانشگاه ها، سینما ها و...

بعد از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نظام سیاسی تغییر کردنظام سیاسی طاغوت متلاشی شد اما نظام طاغوتی و مدرن در عرصه فرهنگ و اقتصاد باقی ماند.

اما آیا جایگزینی افراد متدین به جای افراد سکولار و طاغوتی کافی بود؟

آیا عوض کردن راننده اتومبیل تغییری در نوع و ماهیت اتومبیل ایجاد می کند؟ شاید اهداف اسلامی باشد ولی پاهای طی کننده مسیر عارتیی و غیر اسلامی است. متفکرین با تحلیل تاریخ اسلام به این نتیجه رسیدند که فقط داشتن اهداف اسلامی کافی نیست و باید طرح و برنامه رسیدن به این اهداف نیز اسلامی باشد.باید آموزه های اسلامی به سیستم اسلامی تبدیل شود:

«همین میدیدم آن‌ها که مدعی هستند باید اسلام را از سرچشمه ی اصلی اش گرفت، آن اسلام را از راه اصلی اش، از راه خودش به مقصد نمی رساند و هنگام بیان کردن این اسلام از طرح‌هایی که اسلام مدعی مدد می گیرند و بر قدرتی خارجی تکیه می کنند و فقط به کمک شعار می خواهند اسلام را قالب بزنند و پیاده نمایند، در حالی که اسلام جز با پای خودش به مقصد نخواهد رسید و نه تنها هدف را به هم راه می سازد بلکه راه خودش باشد. چه فرق می کند در قسمت سازندگی و تهیه ی افراد و یا جمع آوری اینها و یا در قسمت تبدیل شخصیت‌ها به قدرت و بستن افراد به حزب و به بنیان مرصوص، و چه فرق می کند که در قسمت تزیینی اش و یا در قسمت‌های اعتقادی نمی توان جبر از طرح اسلامی و از حقیقت اسلام قرآن به سوی راه حل دیگری رفت و اگر رفتیم این دیگر حقیقت اسلام و حقیقت اسلام نیست؛ چون همین که هدف حکومتی اسلام و معیارهای انتخاباتی آن و روش سازندگی و جمع آوری و وابستگی افراد آن و یا تهیه ی نیرو و قدرت آن از جای دیگر آمد، اسلام طعمه ی خواهد شد و دستاویز محکمی و به همان جایی می گردد که از آن آغاز شد و ما در دامانی می خوابد که در آن تربیت گردیده است.»[i]

مذهبی ترین افراد نیز در ساختار و سیستم اجرایی توجیه غربی(مدرن)-داخل کشور در بهترین حالت دزدی و فساد و رانت خواری فردی نمی کنند. ولی آیا چطور محصولات فاسد سیستم و ساختار خود را نیز می توانند بگیرند؟ تلویزیون یومی به غرب بفرستید و کشور خود را مدرن کنید .

۳. اما در این نسخه، فرمول های توسعه در اقتصاد و فرهنگ از قبل توسط تمدن غربی نوشته شده و تنها در نقش کلمه « برنامه توسعه» تجویز میشود و فقط تکنین های اجرایی دیده و آشنا با این فرمول ها بمانند کنترل این ماشین ها و ساختارها باید این فرمول ها را اجرایی کنند. این فرمول ها غیر از تکنین ها به تزریق پول و سرمایه نیاز دارند. حال این تکنین ها اگر هم نداشته و فقط پول داشته باشند کشورهای غربی حوزه خلیج پارس باز هم از ساختار را در کشور خود میتوانید با پول خریداری کنید و صرف شود. یا مانند ژاپن کمی غیرتی تر برخورد کنید و با پول خود افرادی را جهت آموزش و داشتن تکنین یومی به غرب بفرستید و کشور خود را مدرن کنید .

۴. در جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف توسعه اجرایی و اسلامی میکنیم مانند گسترش معنویت و عدالت، اما فرمول و مواد تکنین ها چیز دیگری است و همان نسخه جهانی برای توسعه و مدرن شدن ندا. اهداف تامین نمی شود و بحران ها و پیامدهای توسعه از راه می رسند و البته انقلاب رهبر و حکیم دارد و راه حل و درمان حکیمانه ایشان حیلا جائی از سوی ایشان تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و تهیه نقشه و الگوی پیشرفته و به توسعه) ایرانی اسلامی معرفی شده است :

البته در حال اجرا ، طرح ژاپن اسلامی و مالزی اسلامی باشد. جامعی مرفه و تکنولوژیک با کسب و حفظ تمامی دستاوردهای مادی غرب اما با شهروندانی متشرع و دین دار . جمع اینها و اخرت ، به همین سادگی و خوشمزه ی که مولد لازم برای اجرا شدن این نسخه ، عنصر انسانی بعنوان تکنسین به عنوان اجرا کننده فرمول و پول و سرمایه است . و البته تمام دیگر نسخه های اجراکننده فرایند بسط مدرنیته و تجدد در هر مکانی ، مهندس آن باشد و به برخی متفکران «مهندس» انسان مثالی ذوده جدید و مدرن است. تغییر جهان را کانت و هگل و مارکس کنند. این‌ها گفتند فلسفه‌ای که جهان را تفسیر می‌کند تمام شد و فلسفه و علم باید جهان را تغییر بدهد، اما این تغییر به دست مهندسا... انجام نمی شود.»[ii]

۳. اما در این نسخه، فرمول های توسعه در اقتصاد و فرهنگ از قبل توسط تمدن غربی نوشته شده و تنها در نقش کلمه « برنامه توسعه» تجویز میشود و فقط تکنین های اجرایی دیده و آشنا با این فرمول ها بمانند کنترل این ماشین ها و ساختارها باید این فرمول ها را اجرایی کنند. این فرمول ها غیر از تکنین ها به تزریق پول و سرمایه نیاز دارند. حال این تکنین ها اگر هم نداشته و فقط پول داشته باشند کشورهای غربی حوزه خلیج پارس باز هم از ساختار را در کشور خود میتوانید با پول خریداری کنید و صرف شود. یا مانند ژاپن کمی غیرتی تر برخورد کنید و با پول خود افرادی را جهت آموزش و داشتن تکنین یومی به غرب بفرستید و کشور خود را مدرن کنید .

۴. در جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف توسعه اجرایی و اسلامی میکنیم مانند گسترش معنویت و عدالت، اما فرمول و مواد تکنین ها چیز دیگری است و همان نسخه جهانی برای توسعه و مدرن شدن ندا. اهداف تامین نمی شود و بحران ها و پیامدهای توسعه از راه می رسند و البته انقلاب رهبر و حکیم دارد و راه حل و درمان حکیمانه ایشان حیلا جائی از سوی ایشان تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و تهیه نقشه و الگوی پیشرفته و به توسعه) ایرانی اسلامی معرفی شده است :

آیا فاجعه دهه ۷۰ باز هم تکرار می‌شود؟

دوراهی توسعه غربی یا پیشرفت داخلی در پساتوافق

این روزها مهم‌ترین بحثی که در محافل عمومی کشور چه اقتصادی و چه سیاسی در جریان است،بهبود وضعیت اقتصادی کشور است و تقریباً تمام دولتمردان و سیاستمداران بر ضرورت کار و تلاش بیشتر برای ایجاد فضای بهتر کسب و کار در کشور تأکید کرده‌اند.

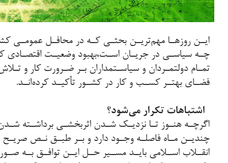

این روزها مهم‌ترین بحثی که در محافل عمومی کشور چه اقتصادی و چه سیاسی در جریان است،بهبود وضعیت اقتصادی کشور است و تقریباً تمام دولتمردان و سیاستمداران بر ضرورت کار و تلاش بیشتر برای ایجاد فضای بهتر کسب و کار در کشور تأکید کرده‌اند.

این سیاست اقتصادی و گرچه بعضاً به بهبود مالی طبقات تهیدست روستایی و افزایش عظیم طبقه متوسط و هجوم بخش کثیری از جامعه به بازار مصرف انجامید اما نتوانست در میان این گروه‌ها حس تأمین و رضایت را به وجود آورد و از سویی دیگر این طبقه متوسط جدید فاقد الگوهای لیبرال یک طبقه متوسط مولد همانند آنچه در کشورهای غربی شکل گرفته است بود.

این طبقه متوسط جدید عملاً به دنبال بالا بردن مصرف کمپانی‌های چینایی بود که به تبع آن افزایش گروه‌های دلال و واسطه و درگیر در مشاغل مرتبط با مبادله کالاهای مصرفی را ایجاد کرد. در قلب این طبقه متوسط نوع جدیدی از تراکم و تودرتو شکل گرفت و به ظهور طبقه جدیدی از تودندان انجامید. بدنی مشاهده این طبقه جدید تودندان کافی است تا نگاهی داشته باشیم به برخی از محلات تهران که برخی مواد قیمت آپارتمان گران‌تر از برخی شهرهای غربی شده است.

هجوم غرب به سمت شرکت‌های ایرانی

به نظر می‌رسد که حالا نیز همین اتفاق و در فضای پس از توافق هسته‌ای در حال روی دادن است. یک فضای جدید اقتصادی که می‌تواند آینده اقتصادی ایران را تا چند سال آینده رقم بزند، همان گونه که سیاست‌های پس از جنگ تقریباً تا مدت ۳۰ سال پس از آن و در دولت‌های مختلف دنبال شد و در نهایت تجربه‌های سیاسی‌اقتصادی و الت فروش نفت بود که آن را با اختلال روبه‌رو کرد.

حالا سؤال اینجاست که آیا بدیگر باید فرمان رشد اقتصادی کشور را به سمت توسعه مبدل غربی پیچاند و تجربه قبلی را تکرار کرد. به نظر می‌رسد که جهت‌گیری کلی دستور مدیریت به همین سمت است. کما اینکه این روزها صحبت از خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران است و در این میان فرانسوی‌ها در صف اول قرار گرفته‌اند.

فرانسه‌ای که به شهادت دوست و دشمن مهم‌ترین سنگ انداز در مسیر مذاکرات هسته‌ای محسوب می‌شد و مخالفت قابیوس بود که توافق اسلامی در هماهنگی کامل است. آیا باز هم می‌توان به تثبیت این شرایط دلخوش بود یا باید در انتظار بر هم خوردن یا کوچک‌ترین مشکلی از سوی کشورهای غربی بود.

مشکل اینجاست که نظام جمهوری اسلامی یک‌بار شرنگ توسعه به شیوه غربی را تحمل کرده است و همانگونه اینجا را آزموده خطاست. باید مشی جدیدی را درباره توسعه اقتصادی دنبال کرد؛ توسعه‌ای که مبتنی بر روح اسلامی و ایران نظامی جمهوری اسلامی باید با ایران باشد نه منافعی که تنها به جیب سرمایه‌گذاران خارجی برود.

منبع : روزنامه جوان

نویسنده : مهدی پورضا

نگاهی به رویکرد توسعه محور مدیریت استان

به نام توسعه ، به کام تجدد

البته در حال اجرا ، طرح ژاپن اسلامی و مالزی اسلامی باشد. جامعی مرفه و تکنولوژیک با کسب و حفظ تمامی دستاوردهای مادی غرب اما با شهروندانی متشرع و دین دار . جمع اینها و اخرت ، به همین سادگی و خوشمزه ی که مولد لازم برای اجرا شدن این نسخه ، عنصر انسانی بعنوان تکنسین به عنوان اجرا کننده فرمول و پول و سرمایه است . و البته تمام دیگر نسخه های اجراکننده فرایند بسط مدرنیته و تجدد در هر مکانی ، مهندس آن باشد و به برخی متفکران «مهندس» انسان مثالی ذوده جدید و مدرن است. تغییر جهان را کانت و هگل و مارکس کنند. این‌ها گفتند فلسفه‌ای که جهان را تفسیر می‌کند تمام شد و فلسفه و علم باید جهان را تغییر بدهد، اما این تغییر به دست مهندسا... انجام نمی شود.»[iii]

۳. اما در این نسخه، فرمول های توسعه در اقتصاد و فرهنگ از قبل توسط تمدن غربی نوشته شده و تنها در نقش کلمه « برنامه توسعه» تجویز میشود و فقط تکنین های اجرایی دیده و آشنا با این فرمول ها بمانند کنترل این ماشین ها و ساختارها باید این فرمول ها را اجرایی کنند. این فرمول ها غیر از تکنین ها به تزریق پول و سرمایه نیاز دارند. حال این تکنین ها اگر هم نداشته و فقط پول داشته باشند کشورهای غربی حوزه خلیج پارس باز هم از ساختار را در کشور خود میتوانید با پول خریداری کنید و صرف شود. یا مانند ژاپن کمی غیرتی تر برخورد کنید و با پول خود افرادی را جهت آموزش و داشتن تکنین یومی به غرب بفرستید و کشور خود را مدرن کنید .

۴. در جمهوری اسلامی ایران نیز اهداف توسعه اجرایی و اسلامی میکنیم مانند گسترش معنویت و عدالت، اما فرمول و مواد تکنین ها چیز دیگری است و همان نسخه جهانی برای توسعه و مدرن شدن ندا. اهداف تامین نمی شود و بحران ها و پیامدهای توسعه از راه می رسند و البته انقلاب رهبر و حکیم دارد و راه حل و درمان حکیمانه ایشان حیلا جائی از سوی ایشان تحول علوم انسانی و تولید علم دینی و تهیه نقشه و الگوی پیشرفته و به توسعه) ایرانی اسلامی معرفی شده است :

بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم، این است که نقشه‌ی پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام برای این انسان، انسان در منطق اسلام، فراهم و تهیه کنیم. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول، دیگر معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوغیه خودن درمنجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است و انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار میدهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال، این پیشرفت با آن پیشرفت غیربی متفاوت است. من میخواهم بگویم مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، مجموعه‌ی تحلیل کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگترین کارهاشان باید این باشد که نقشه‌ی تحول خودشان و پیشرفت را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدلسازیهای غربی نسپرند. او نمیتوانند کشور را نجات بدهد؛ او نمیتوانند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اسلام، راجع به سیاست، راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر میکنند، دنبال این نباشند که فرمولهای غربی را، فرمولهای اقتصادی غرب، فرمولهای بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را یا مسائل کشور را تنظیم کنند. این کار، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از علمشان استفاده میکنیم؛ ما تعصب نداریم. هرجا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده میکنیم. از مجالح استفاده میکنیم؛ اما نقشه را بر طبق الگوی دیگران باید بریزیم.»(بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد-۲۵/۰۲/۱۳۸۶)

حالا توسعه در ایران چه باید کرد؟

رهبر معظم انقلاب در دیداری که به مناسبت هفته دولت با اعضای کابینه دولت یازدهم داشتند به نکات و مباحث فرهنگی مهمی اشاره کردند.

البته وقتی از طرف ایشان مسائلی مثل لزوم تسریع در راه‌اندازی قطار سریع‌السیر مشهد و آزادراه مشهد مطرح می‌شود، جزو مباحث مهم فرهنگی باید تلقی شود. طرح مسائلی همچون رفتار دولتمردان و مسئولان که می‌تواند اصلاح‌گر باشد و برخی رفتارها را اصلاح یا ایجاد کند هم جزو مباحث فرهنگی مهمی است که معظم‌له به آن اشاره کردند.

اقداماتی از این دست جزو مسائلی است که باید روی زمین اتفاق بیفتد و عینیت پیدا بکند، چراکه اثرات جدی فرهنگی دارد. ما وقتی برای استفاده مردم‌مان از فضای فرهنگی زیارت و حرم امام رضا(ع) درست تدبیر نکنیم، قطعاً این تواریخ ما نسبت دیگری حرکت خواهد کرد.

یک بحث فرهنگی دیگری که خیلی بحث مهمی است، توجه به فرهنگ کار و تلاشگری و مقابله با بیکاری و تنبلی... است و بحث بسیار مهمی است که اتفاقا مورد غفلت قرار گرفته است. در این زمینه غفلت در حوزه‌های آثار علمی و اندیشه‌ای زیادی وجود دارد که به نظر بنده تجربه‌ها و مطالعات افای دکتر مرتضی فرهادی می‌تواند خیلی به کار آقایان، مسئولان و وزرا بیاید. چه اینکه آقای فرهادی در حوزه‌ی مباحث مانند کار و ارزش کار کردن مطالعات خیلی خوبی دارند که متأسفانه کمتر دیده شده و از مطالعات و زحمات چنین افرادی استفاده نمی‌شود و جهه‌مردیاری مورد توجه بگیرد.

وارزخانه‌های مختلف می‌توانند حامی تولیداتی باشند که فیرمان‌های حوزه کار و تولیدات را برجسته و معرفی می‌کنند و به مردم الگو، روش، راه و روحیه کار و تولید را نشان بدهند.

به هر حال باید زیرساخت‌ها و مقدمات برای مؤلفان و تولیدکنندگان آثار هنری و فرهنگی مهیا و فراهم بشود تا بتوانند با عشق و طبیخاطر در حوزه‌هایی که علاقه‌مند هستند، کار بکنند. اگر تولید مطلوب در حوزه فرهنگ رونق بگیرد به خودی خود بخش زیادی از اثار نامطلوب و مضر از بین خواهد رفت. دستگاه فرهنگی همانگونه که موظف به ارتقا تولید آثار مطلوب فرهنگی هستند، وظیفه دارد که با تولیدات مضر و نامطلوب فرهنگی مقابله کند. بنابراین دستگاه‌های متولی باید طراحی‌های بکند که بطلوب اثار آسیب‌زننده به اخلاق، امنیت، وحدت ملی و... فرگرفته شود.

متأسفانه یک دوره‌ای رایج شد که باید رنگ عوض کنیم تا جذب حداکثری کنیم، واقعاً این حرف‌ها، حرف‌های درست و روشنی نبوده و نیست، به تعبیری ما تاکتیک استارتر را برگزیدیم تا بتوانیم دیگران را جذب کنیم ولی پول‌پولش نابدید شدیم!

الان به گونه‌ای شده که بسیاری از مدیران فرهنگی ما خیالت می‌کنند حرف‌های محکم اسلامی و انقلابی را مطرح کنند؛ که البته این رفتار غلطی است و باید محکم پشت این موضوعات کار کرد؛ چراکه تازه ما در بهار طرح مباحث اسلام انقلابی قرار داریم، تازه ما فرصتی پیدا کردهایم تا این موضوعات را مسائل را طرح کنیم و دنیا به دنبال آنها خواهد آمد. اتفاقا در دنیای امروز انقلابی بودن و استکارستیزی جذاب است به شرط آنکه صدق گفتار و عمل داشته باشیم.

علی‌محمد مؤدب

برخی مدیران فرهنگی خجالت می‌کشند حرف‌های انقلابی بزنند

رهبر معظم انقلاب در دیداری که به مناسبت هفته دولت با اعضای کابینه دولت یازدهم داشتند به نکات و مباحث فرهنگی مهمی اشاره کردند.

البته وقتی از طرف ایشان مسائلی مثل لزوم تسریع در راه‌اندازی قطار سریع‌السیر مشهد و آزادراه مشهد مطرح می‌شود، جزو مباحث مهم فرهنگی باید تلقی شود. طرح مسائلی همچون رفتار دولتمردان و مسئولان که می‌تواند اصلاح‌گر باشد و برخی رفتارها را اصلاح یا ایجاد کند هم جزو مباحث فرهنگی مهمی است که معظم‌له به آن اشاره کردند.

اقداماتی از این دست جزو مسائلی است که باید روی زمین اتفاق بیفتد و عینیت پیدا بکند، چراکه اثرات جدی فرهنگی دارد. ما وقتی برای استفاده مردم‌مان از فضای فرهنگی زیارت و حرم امام رضا(ع) درست تدبیر نکنیم، قطعاً این تواریخ ما نسبت دیگری حرکت خواهد کرد.

یک بحث فرهنگی دیگری که خیلی بحث مهمی است، توجه به فرهنگ کار و تلاشگری و مقابله با بیکاری و تنبلی... است و بحث بسیار مهمی است که اتفاقا مورد غفلت قرار گرفته است. در این زمینه غفلت در حوزه‌های آثار علمی و اندیشه‌ای زیادی وجود دارد که به نظر بنده تجربه‌ها و مطالعات افای دکتر مرتضی فرهادی می‌تواند خیلی به کار آقایان، مسئولان و وزرا بیاید. چه اینکه آقای فرهادی در حوزه‌ی مباحث مانند کار و ارزش کار کردن مطالعات خیلی خوبی دارند که متأسفانه کمتر دیده شده و از مطالعات و زحمات چنین افرادی استفاده نمی‌شود و جهه‌مردیاری مورد توجه بگیرد.

وارزخانه‌های مختلف می‌توانند حامی تولیداتی باشند که فیرمان‌های حوزه کار و تولیدات را برجسته و معرفی می‌کنند و به مردم الگو، روش، راه و روحیه کار و تولید را نشان بدهند.

به هر حال باید زیرساخت‌ها و مقدمات برای مؤلفان و تولیدکنندگان آثار هنری و فرهنگی مهیا و فراهم بشود تا بتوانند با عشق و طبیخاطر در حوزه‌هایی که علاقه‌مند هستند، کار بکنند. اگر تولید مطلوب در حوزه فرهنگ رونق بگیرد به خودی خود بخش زیادی از اثار نامطلوب و مضر از بین خواهد رفت. دستگاه فرهنگی همانگونه که موظف به ارتقا تولید آثار مطلوب فرهنگی هستند، وظیفه دارد که با تولیدات مضر و نامطلوب فرهنگی مقابله کند. بنابراین دستگاه‌های متولی باید طراحی‌های بکند که بطلوب اثار آسیب‌زننده به اخلاق، امنیت، وحدت ملی و... فرگرفته شود.

متأسفانه یک دوره‌ای رایج شد که باید رنگ عوض کنیم تا جذب حداکثری کنیم، واقعاً این حرف‌ها، حرف‌های درست و روشنی نبوده و نیست، به تعبیری ما تاکتیک استارتر را برگزیدیم تا بتوانیم دیگران را جذب کنیم ولی پول‌پولش نابدید شدیم!

الان به گونه‌ای شده که بسیاری از مدیران فرهنگی ما خیالت می‌کنند حرف‌های محکم اسلامی و انقلابی را مطرح کنند؛ که البته این رفتار غلطی است و باید محکم پشت این موضوعات کار کرد؛ چراکه تازه ما در بهار طرح مباحث اسلام انقلابی قرار داریم، تازه ما فرصتی پیدا کردهایم تا این موضوعات و مسائل را طرح کنیم و دنیا به دنبال آنها خواهد آمد. اتفاقا در دنیای امروز انقلابی بودن و استکارستیزی جذاب است به شرط آنکه صدق گفتار و عمل داشته باشیم.

علی‌محمد مؤدب

حال توسعه در ایران چه باید کرد؟

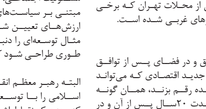

نخبگان ، حوزه و دانشگاه ، دولتمردان و آحاد مردم است.

د در استان سیستان و بلوچستان نیز بعنوان مهم‌ترین استان کشور سالهاست که تحت عنوان محرومین زدایی فرایند توسعه الویت اول آن می باشد.

اکثر نیازها و کمبودهای استان در یک نگاه مادی و میدانی کاملا مسایلی فنی و مهندسی است. کمبود آب، مسکن، کارخانجات و کارگاه، گاز، اب، برق، سوخت و انرژی و...

لذا این حجم گسترده کمبود امکانات اولیه مادی در کنار بافت سنتی و روستایی مردم استان و نیاز به رفع کمبودها مادی و روستازایی (چراکه روستا از مظاهر توسعه یافته گی ، سنت ، قدمت و کهنگی است) مدرنیته با هرچه که میراث دارد است مغایرت دارد سر ستیز دارد) مغز راهبر و بافت مدیریتی استان را مهندسی و تکنین فرایند توسعه معرفی می کند و البته دانشگاه های استان در تکنین تربیت کادر و نیرو برای این روند توسعه بسیار مهم است. لذا با این حجم سایل نیاز مهندسی استان به تمام آبادانی و توسعه استان و به کام تجدداخواهی، از مدیریت حاشیه ای فرهنگی استان چه می توان انتظار داشت؟

مجتبی جوان خج

منبع : 1fanoos.ir

پاورقی:

[i] اندیشه من علی صفایی حایری . صفحه ۵

[ii] سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در مراسم گرامیداشت روز مهندس - خبرگزاری مهر - کد خبر: ۲۵۰۶۱۹۰

[iii] آیت‌الله مرتضی حائری یزدی، صفحه ۲۰۵

عرفی کتاب:

کتاب «تاریخ مستطاب آمریکا» برای نوشته شده است و با ترکیبی از طنز و متن می‌کوبد نشان مه رابطه ایران و آمریکا هیچ منفعتی در پی ندارد.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم، عصر امروز شنبه ۲۱ شهریور ۹۴ مراسم رونمایی از کتاب «تاریخ مستطاب آمریکا» با حضور رحیم احمدی‌روشن، علیرضا قزوه، سیدمسعود شجاعی طباطبایی، مازیار بیژنی و محمد صادق کوشکی در محل سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.

حجت‌الاسلام مهدی همتی، مدیرمسئول موسسه خاکریز اسلامی این نشست گفت: از دو سال پیش احساس کردیم جریانی در کشور در حال شکل‌گیری است که بدنبال تطهیر چهره آمریکا است و بدنبال این هستند که این دشمنی دیرینه را حاصل یک بی‌تدبیری نمایش دهند.

وی افزود: دغدغه‌های مقام معظم رهبری با توجه به بیانات ایشان در چند دقت گذشته قابل توجه است که ایشان هم به این مطلب توجه داشتند. ما هم در این عرصه تلاش کردیم که محصولی را تولید کرده که وظیفه خودمان را در این عرصه انجام داده باشیم.

مدیرمسئول موسسه خاکریز اسلامی تصریح کرد: ما تحقیقاتی را انجام دادیم و متن را به گوشکی سپردیم. تلاش ما این بود که از منابع جمهوری اسلامی نیز استفاده نکنیم که در اینده این کتاب مورد مخالفت قرار گیرد. سعی ما این بوده است که از منابع غربی استفاده کنیم. نگارش این کتاب ۹ ماه به طول انجامید که همان زمان کارکاتورهای این کتاب از طرف آقای رهنورد تهیه می‌شد. در حال حاضر ۱۰۸ عدد از آن کاریکاتورها در کتاب چاپ شده است.

علیرضا قزوه، مدیر مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری هم در بخش دیگری از این نشست گفت: احساس من این است که در دوران تاریخی حضور ما در عرصه فرهنگی به ما هوشیاری مردم از آن عبور خواهیم کرد.

وی افزود: ما سرزمای عجیب و غریب زیبای داشته‌ایم و بسیاری شب و روز کوشان نبرده است که از این شرایط عبور گردد؛ ایم ما می‌توانیم با هنر خود دنیای اسلام را ظرف مدت هفت سال به آرزویش رسانده و توانسته با موفقیت چهره محدودش پیامبر را در ذهن نماندگان؛ به ویژه از جنس جهانی‌اش تلطیف سازد، انتقاد تند و تیز و کوبنده «شرق» از این قیلم آن هم بدون اندک اشاره‌ای به نقاط قوت اثر، غیرمنتظره و عجیب به نظر می‌رسد.

دکتر محمد صادق کوشکی:

وضعیت اضطراری است

شیخیون فرهنگی دشمنان نظام اسلامی تنها در نقشه‌ها و طراحی‌های پیچیده اتاق‌های فکر آنان خلاصه نمی‌شود و نمی‌توان آن را یگانه عامل توطئه‌ها در کشورمان دانست. توجه به رخنه‌های قابل نفوذ در مرزهای فکری و فرهنگی بسیار اهمیت دارد و از این منظر، شناخت مؤلفه‌های تهاجم فرهنگی از سبک و تشخیص زمینه‌های تهاجم‌پذیری در میان مسئولین از سوی دیگر، می‌تواند پازل مشکلات نگران‌کننده جامعه امروز ما را حل کند. در این باره گفتگوهایی صورت گرفت.

۱- در دوره‌ای نه چندان دور برخی دولت‌ها بر سر کار بودند که نه اصل شیخون فرهنگی را می‌پذیرفتند و نه خود را در برابر تهاجم غرب، انسان‌های خودباخته می‌دانستند زیرا معتقد بودند که اصولاً تهاجمی در کار نیست و هضم شدن فرهنگ کشور در فرهنگ منحط غرب را جریانی عادی که در تمام جهان رایج است، تلقی می‌نمودند.

جریانات سکولار در دوره اصلاحات قصد داشتند دین را از صحنه حاکمیت، مدیریت و برنامه‌ریزی و اجرا منزوی کنند و آن را در انحصار گروهی خاص و یا در قلمرو زندگی شخصی افراد، تعریف و تبیین نمایند که نتیجه چنین تفکری، رسوخ روح بی‌تفاوتی در جامعه درباره سرنوشت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خویش و بسترسازی برای سلطه فرهنگی بیگانه است. باید اذعان کرد که گسترش چنین روحیه‌ای در میان برخی مسئولین که نشانه‌های رخوت است، بدون شک نشانه وضعیت اضطراری فرهنگی جامعه خواهد بود. این در حالی است که طیف وسیعی از دلسوزان در آن دوره در مقابل بی‌تفاوتی، فقدان هویت فرهنگی و بسترای حراست از ارزش‌های انقلاب احساس مسئولیت نموده و در برابر متعدیانی که به آنها برچسب تمامت‌خواه و دیکتاتور می‌زدند هوشمندانه فریاد اعتراض خود را بلند کردند.

۲- حرای تردید نیست که جامعه برخوردار از شخصیت و هویت فرهنگی و معنقد به رسالت‌های مکتبی و موعود، همچون دین مبین اسلام و ریشه دار در مقابل امواج توفان‌ها و هجوم‌های سکولاریسم و مارکسیسم می‌ایستد اما جامعه و مسئولین غفلت‌زده و ناآگاه از فرهنگ خودی، همچون کشتی بی‌پارو به پاپوسید و خنکید، بعلاوه‌تر قشر از رفته کنده می‌شود و بدون هیچ مقاومتی پذیرای فرهنگ مهاجم می‌گردند. آنچه قرآن کریم در مقایسه «کلمه طیبه» و «کلمه خبیثه» ذکر کرده و آن دو را به «شجره طیبه» و «شجره خبیثه» تشبیه نموده است، به این نکته اشاره دارد